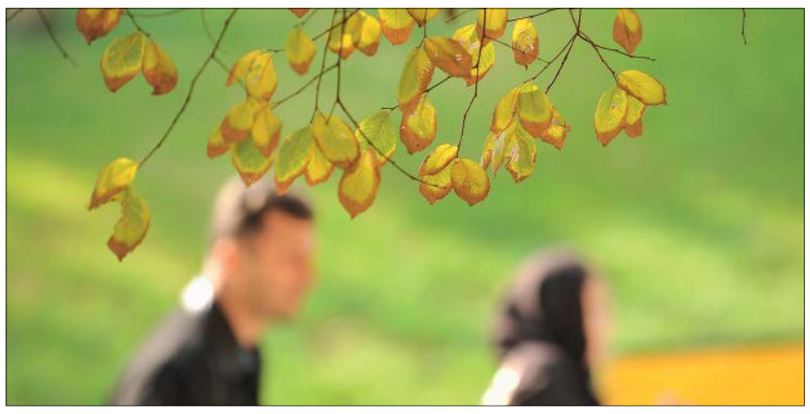

آشنایی بیشتر انسان‌ها با فلسفه می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر شود

نسخه فلسفه برای جامعه

مطلق‌گرا نبودن و داشتن نگاه عمیق به مسائل، راهکار فلسفه برای آسیب‌های اجتماعی مانند حل اعتیاد، طلاق و حاشیه‌نشینی است

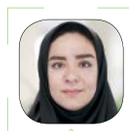

نرگس خانعلی‌زاده
جامعه

یکی از جهاتی که فلسفه می‌تواند روی اجتماع و آسیب‌های اجتماعی تاثیر بگذارد، محتوای فلسفه است، نه آن چیزی که ما آن را به حفظیات فلسفه در کلاس‌های درس‌مان می‌شناسیم. یك نگاه کوتاه به خط فکری پژوهشگران فلسفه نشان می‌دهد پیش گرفتن این راه و روش، می‌تواند راهکاری برای حل آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد، طلاق، فسادهای اخلاقی و حاشیه‌نشینی... باشد. به نظر می‌رسد اگر آدم‌ها با فلسفه آشنا بشوند، نسبت به مسائل معتدل‌تر، نرم‌تر و مهربان‌تر می‌شوند. آنها ناراحت نمی‌شوند و اگر بشوند می‌بخشند؛ با این اوصاف، شاید بهتر است کمی در این اجتماع فیلسوف باشیم و فیلسوفانه رفتار کنیم.

اصلا حرف حساب فلسفه چیست؟ مجتبی شیخ، پژوهشگر فلسفه است. او می‌گوید فلسفه مادر همه علوم است و از زاویه‌ای متفاوت به انسان‌ها نگاه می‌کند: «همه اتفاقاتی که در زندگی روزمره ما می‌افتد، بالاخره ریشه‌ای در فلسفه دارند. آن چیزی که فلسفه به ما می‌آموزد، دید عمیق‌تری است که نسبت به مسائل به ما می‌دهد. در واقع فلسفه، معنایی متفاوت به زندگی هرکدام از آدم‌ها می‌دهد که طبق آن معنا، فضای اجتماعی زندگی ما بهتر و مثبت‌تر خواهد شد. فلسفه برای زندگی ما، آغاز و سرانجامی در نظر می‌گیرد و زندگی مادی ما را تبیین می‌کند که همه زندگی اینها نیست. یعنی چه؟ یعنی فلسفه می‌گوید انسان صرفا یك موجود فیزیکی نیست؛ او یك روح دارد، یك امر معنوی. در واقع انسان یك امر مجرد از ماده‌ای دارد که نیازهای خاص خودش را دارد؛ همین انسانی که می‌خواهد زندگی سالمی از نظر روانی داشته باشد، زندگی‌ای سالم، اما متفاوت از داروها و مسائل درمانی و این همان فلسفه‌ای است که ما به دنبالش هستیم.»

تقابل دانسته‌ها و ندانسته‌ها

سقراط، پدر فلاسفه و اصطلاحا به عنوان ریش‌سفید فلسفه مطرح است. مهم‌ترین ایده سقراط این بود که من نمی‌دانم و به ندانستن خودم اعتراف می‌کنم. در آن زمان، واژه سوفیا برای اهالی علم به کار می‌رفت؛ «کسانی که می‌گفتند ما علم و دانش داریم، ما سوفیا هستیم و مشکلات را حل می‌کنیم. اما سقراط مسیر را تغییر داد و گفت من نمی‌دانم و اعتراف می‌کنم که نمی‌دانم؛ من فیلوسوفیا هستم، یعنی دوستدار علم و دانش هستم. حالا تصور کنید که همین رویکرد را ما به زندگی‌مان در جامعه بیاوریم. مثلا جمعی از دوستان یا فامیل را تصور کنید که روی یك موضوعی اختلاف نظر دارند. اگر هرکسی این‌طور فکر کند که این چیزی که من می‌دانم، همه این ماجرا نیست و تنها آن چیزی است که به نظر من رسیده و ممکن است نادرست باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ یعنی فکر کنیم که نادانسته‌های من بیشتر از دانسته‌هاست. خب طبیعتا با چنین تفکری، سر آن مساله با آن دوستان، هیچ بحث و دعوا و مشکلی پیش نمی‌آید و حتی ممکن است گفت‌وگوی خوبی هم میان افراد شکل بگیرد که حرف هم را به خوبی بفهمند و راهی با تعامل و تکامل همدیگر ایجاد شود.»

ما تصور می‌کنیم که درست فکر می‌کنیم

فلسفه حتی به مسائل اقتصادی هم ورود و درهای تازه‌ای را روی آدم‌ها باز می‌کند: «اقتصاد، علم عرضه و تقاضا و پاسخگویی به نیازهای مادی انسان است، اما فلسفه می‌گوید همه نیازهای انسان، اموری صرفا مادی نیستند و بیشتر جنبه معنوی دارند. در واقع این احساس نیاز در انسان است که تعیین کننده خواسته‌های اوست، نه خود آن جنبه فیزیکی او. ماجرا این است که چون ذهن انسان احساس نیاز می‌کند، تقاضا به وجود می‌آید و در نهایت عرضه‌ای اتفاق می‌افتد. در این میان، فلسفه می‌گوید خیلی از نیازها، اساسی نیستند، چون با تغییر جنبه‌های ذهنی انسان، این نیازها هم عوض می‌شوند. مثلا عده زیادی از آدم‌ها تقاضای خودروی لوکس یا تقاضای ازدواج تشریفاتی دارند. این نیاز آنقدر در آنها قوی است که فکر می‌کنند که اگر برآورده نشود، ضرر می‌کنند. خب اگر با نگاهی مادی به ماجرا نگاه کنیم، اقتصاد باید طوری باشد که به اندازه نیاز تمام این افراد، منابع مادی و ثروت تامین کند؛ اما فلسفه می‌گوید که شما برای این‌که مشکلت حل شود، می‌توانی طور دیگری به این موضوع نگاه کنی و چه بسا که دیگر نیازی به آن مساله نداشته باشید. فلسفه توضیح می‌دهد که این چیزی که می‌خواهی برای چه است؟ فلسفه خواسته آن کسی که تشریفات می‌خواهد با نگاه موشکافانه بررسی می‌کند. می‌گوید تو می‌خواهی عزت و آبرو داشته باشی و فکر می‌کنی که اگر این اتفاق نیفتد، این عزت را از دست خواهی داد. موضوعی که امروز به عنوان آسیبی اجتماعی آن را می‌بینیم؛ یعنی بسیاری از آدم‌ها از نظر مالی وضع خوبی ندارند، ولی فکر می‌کنند که ماشین عروس‌شان باید حتما خودرویی لوکس باشد. آنها احساس می‌کنند که برای این‌که در جامعه احترام داشته باشند، باید بیشتر هزینه کنند. در واقع انسان‌ها بسیاری از امور با ارزش مانند ازدواج را به جنبه مادی تنزل می‌دهند، اما وقتی اینها در لایه‌های عمیق‌تری مطرح شود، طرف می‌تواند پیش خودش فکر کند که این‌که من وضع مالی خیلی خوبی ندارم، تقصیر من نیست و این نباید موجب سرافکندگی من باشد. واقعیت این است که نوع نگاهی که فلسفه به آدم‌ها می‌دهد، نگاهی عمیق و انتقادی است که هرچیزی را راحت قبول نکنیم و در حقیقت، مطلق‌انگار نباشیم.»

دعوای زن و شوهری، ممنوع

وقتی حرف از آسیب‌های اجتماعی می‌شود، پای طلاق را به عنوان نمونه وسط می‌کشیم. موضوعی که از نظر آقای شیخ، ریشه‌هایش را در فلسفه هم می‌شود پیدا کرد: «همین تفکر را که نادانسته‌های من زیاد است و ممکن است نظر من با دیگری متفاوت باشد به خانواده و در بین زن و شوهرها بیاورید. از نگاه فلسفه، اگر زن و شوهر بدانند که آنها دو تا انسان هستند و نظرات و تفکرات متفاوتی دارند، خیلی شرایط روابط عاطفی آدم‌ها فرق خواهد کرد و زمینه اختلاف از بین می‌رود. مثلا یکی از اختلافات رایج بین زن و شوهرها، سوءتفاهماتی است که بین دو خانواده ایجاد می‌شود. در بعضی شرایط، یکی از دو طرف آداب و رسومات خانواده خودش را مطلق فرض می‌کند. مثلا فکر می‌کند که در خانواده ما اگر کسی چنین حرکتی انجام بدهد، بی‌احترامی به حساب می‌آید و همین موجب اختلاف می‌شود. اما فلسفه می‌گوید که خب ممکن است طرف مقابل عرف دیگری دارد و این کار در عرف این خانواده بی‌احترامی نیست و من نباید ناراحت شوم. در حقیقت فلسفه این رویکرد را به ما می‌دهد که همه چیز مطلق نیست. فلسفه، مطلق‌انگاری را رد می‌کند و انسان‌ها را نسبت به شرایط متعادل می‌کند که فقط حرف خودشان نیست که درست است. فلسفه به ما می‌گوید که نادانسته‌های ما زیاد است؛ فلسفه، غرور و تعصب ما را می‌شکاند و ذهن و اندیشه ما را در مقابل افکار دیگران باز می‌کند. حتی روح ما را بزرگ می‌کند که یك وقت‌هایی بگوییم که این بدی نیست و یك وقتی هم حتی اگر واقعا بدی باشد، فلسفه می‌گوید که خودت مگر بدی نمی‌کنی؟ مگر اشتباه نمی‌کنی؟ بنابراین وقتی کسی اشتباه کرده، ببخش تا تو را هم ببخشند.»

این علم مهربان

فلسفه از آن علم‌های خیلی مهربان است؛ از آنهایی که می‌گوید بگذر، ببخش. انگار روحیه‌ای در فلسفه وجود دارد که آن را از دیگر علوم متمایز می‌کند: «با ادای احترام به تمام علوم دیگر، باید بگوییم که این ویژگی در علوم دیگر خیلی وجود ندارد. فرض کنید که یك مهندس، نحوه ساخت خودرو را یاد می‌گیرد، خودرو می‌سازد و می‌بیند که همه چیز بی‌عیب و نقص است. او دیگر به این فکر نمی‌کند که ممکن است علم من اشتباه و نادانسته‌هایم زیاد باشد. خب طبیعتا این مساله کمی غرور هم برای آن مهندس ایجاد می‌کند که همان غرور می‌تواند در ارتباطش با آدم‌های دیگر تاثیر بگذارد؛ اما دیدگاه فلسفی می‌گوید که من هرچقدر خوانده باشم، با آدم‌های دیگر فرقی ندارم. در واقع فلسفه این رهاورد را به عنوان اصل اولیه برای همه انسان‌ها دارد که نادانسته‌های شما بیشتر از دانسته‌هایتان است و باید تواضع و فروتنی خاصی نسبت به جهان و اطرافیان داشته باشید. تواضع و این‌که چنین روحیه‌ای در انسان وجود داشته باشد که واقعا احساس کند من خیلی چیزها را نمی‌دانم، می‌تواند مانعی بزرگ برای بروز آسیب‌های اجتماعی باشد.»

روی خط فلسفه

زندگی+

کسی که خط محتوای فلسفه را در پیش بگیرد، به این شعر می‌رسد که «تا بدان‌جا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم»؛ بیتی که نگاه اصلی ارتباطات اجتماعی در علم فلسفه را نشان می‌دهد. در حقیقت، وقتی کسی خیلی فلسفه بداند، می‌فهمد که انسان چه موجود کوچکی در مقابل دنیاست و این درك، یك فروتنی برایش ایجاد می‌کند. خب طبیعتا وقتی فروتنی ایجاد شود، می‌تواند در همه مسائل تاثیرگذار باشد و باعث می‌شود تا فرد ارتباط سالم‌تری با جامعه و افراد جامعه برقرار کند؛ ارتباطاتی که منشأ خیلی از مشکلات و آسیب‌هایش، غرور است و این تواضع و فروتنی و سر خم کردن، غرور را از بین می‌برد.

شاید من اشتباه می‌کنم

«من آدمی هستم که با توجه به ویژگی‌های ذاتی‌ام، خیلی علاقه‌ای به موشکافی در مسائل ندارم. با این‌که این اخلاق در خیلی از مواقع خوبی‌هایی برایم داشته است، اما می‌دانم این موضوع ممکن است همیشه هم ویژگی خوبی نباشد و من را در بسیاری از مسائل عقب بیندازد و حتی برایم دردسرساز باشد؛ اما به هر حال خلقی است که در وجودم دارم.» این جملات یك استاد فلسفه در خلل یك مکالمه تلفنی است.

به نظر می‌رسد که این مطلق‌انگار نبودن برای اهالی فلسفه، تنها یك حرف نیست و واقعا پایش به عمل آنها هم باز شده است. کافی است به صورت تلفنی یا در ارتباطی دیداری، با یك دانشجو، پژوهشگر، استاد یا اهل علمی در فلسفه همکلام شوید.

آن‌وقت است که این ماجرا را به وضوح در رفتار و کلام‌شان می‌بینید؛ آنها خودشان را درست مطلق نمی‌دانند و تاکید دارند که این فقط نظر ماست و ممکن است درست هم نباشد و به قول این استاد عزیز، ممکن است گاهی دردسرساز هم باشد.

آنها هر جمله‌ای که می‌گویند یك شاید هم در ادامه و پایان حرف‌هایشان هستند؛ شایدی که باعث می‌شود حرف و کلام‌شان نرم شود، مهربان شود و بیشتر از قبل، بر دل مخاطب دیداری و شنیداری‌شان بنشیند. این‌طوری مخاطب‌شان می‌فهمد طرف مقابلش تعصبی روی نظرش ندارد و راه را برای اظهار نظر او هم باز گذاشته است و برای طرف مقابلش هم حقی حتی در جهت مخالف نظر او قائل است.

حالا آدم‌هایی را به خاطر بیاورید که یك‌کلام هستند: مگر بهت نگفتم چنین چیزی درسته؟ حرف منو قبول نداری؟

واقعیت این است که فاصله دیدگاه فلسفه با چنین جمله‌ای از زمین تا به آسمان است؛ جمله‌ای که می‌تواند سر منشأ خیلی از آسیب‌های اجتماعی در جامعه برای شروع دعواها، دشمنی‌ها، اختلاف‌ها و دیگر اتفاقات ناخوشایند یك جامعه باشد. در صورتی که فلسفه می‌گوید نادانسته‌هایت بیشتر از دانسته‌هایت است؛ می‌گوید تو هم اشتباه می‌کنی، می‌گوید حرف دیگران هم ممکن است درست باشد. نگاهی که در کلام استاد فلسفه ابتدای متن وجود داشت و این را که نگاه موشکافانه‌ای نسبت به مسائل ندارد نه خوب مطلق و نه بد مطلق می‌داند.

صرفا یك ویژگی شخصی است که ممکن است با نظر دیگران تفاوت‌های بزرگی داشته باشد.

حالا تصور کنید جامعه‌ای داشته باشیم که همه با چنین نگاهی که منصوب به علم فلسفه است، به ماجراها و اتفاقات اجتماعی اطرافشان نگاه کنند؛ پر از آدم‌هایی با تفکر این‌که دیگران هم حق دارند، این‌که دیگران هم درست می‌گویند، این‌که دیگران هم حق اظهار نظر دارند. همچین جامعه‌ای هم آرزوست!

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#پاداش - بانك

کلامی از تهران:

آیا پاداش هنگفت به اعضای هیات‌مدیره بانك کشاورزی با توجه به وضعیت نه چندان مناسب بانك‌ها ضروری بود؟ بهتر است این مبالغ صرف توسعه بانك و وظایف آن شود.

#اعتراف - متهم

دهقان از تهران:

چرا پخش اعترافات متهمان سیاسی و اقتصادی از رسانه‌ها ممنوع شد؟ چرا مردم نباید از این متهمان و همدستانشان و همچنین نحوه کارشان باخبر باشند؟

#بنزین - مسافربر

پوراحمد از تهران:

وضعیت مسافربران شخصی و اینترنتی که زندگی خود را از این طریق اداره می‌کنند با گرانی بنزین چه خواهد شد؟

#اعتراض - مردم

جمعی از شهروندان:

چرا دولت صدای اعتراضات مردم را راجع به گرانی بنزین نمی‌شنود؟ این گرانی فشار بسیار زیادی به مردم وارد می‌کند.

#معلول - بنزین

توکلی شهمیرزادی از کرج:

چرا دولت هیچ سهمیه بنزینی برای افراد معلول اختصاص نداده است؟ با توجه به رفت وآمد سخت این افراد باید نگاه ویژه‌ای به آنها داشت.

#آسفالت - خراب

شهروندی از تهران:

اول بزرگراه تهران - کرج خروجی اول خیابان شهید برادران رحمانی، آسفالت خیابان از بین رفته و چاله خیلی عمیقی ایجاد شده که در دید رانندگان نیست و باعث خسارت شدید به خودروهای عبوری می‌شود. لطفا سازمان مربوطه هرچه سریع‌تر نسبت به ترمیم آسفالت اقدام کند تا باعث تلفات جانی نشود.

جوابیه

در پی درج پیامی با عنوان «گیت دیواری» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل متروی تهران و حومه با ارسال نمابری اعلام کرد: نصب دستگاه کارتخوان دیواری با توجه به شلوغی جمعیت و تجمع مسافران محترم هنگام خروج از ایستگاه‌های پرتردد انجام شده است؛ لذا با توجه به درخواست این مسافر محترم، ایستگاه اعلام شده (ایستگاه نیروی هوایی) مورد بررسی قرار گرفته و اقدام‌های لازم درخصوص نیاز یا عدم نیاز به نصب دستگاه کارتخوان دیواری انجام خواهد شد.